جواد نعمتی[1]، اکبر ساجدی[1*]، حسین جلایی نوبری[1]، ادریس کاکه مم[2]

[1] دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش های بین رشته ای معارف اسلامی و علوم سلامت، تبریز، ایران

[2] دکترای مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

* نشانی نویسنده مسئول: بلوار ۲۹ بهمن دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشکده پیراپزشکی، گروه معارف اسلامی، تبریز، ایران

نشانی الکترونیک: sajedi@tbzmed.ac.ir

مقـاله تحقیقی

آسیب شناسی فقهی سوگندنامه پزشکی ایران

چکیده

زمینه: اخذ تعهد از پزشکان در قالب سوگندنامه به سوگندنامه بقراط و دوران یونان باستان برمی‌گردد. از دیرباز این سوگندنامه‌ها با تغییراتی در راستای بومی‌سازی با فرهنگ‌های مختلف رواج داشته است. در دوره اسلامی نه تنها بومی شده سوگندنامه بقراط، بلکه آثار ارزشمند دیگری نیز در قالب پندنامه و ... برای ایجاد حس مسئولیت در پزشکان تدوین گردید. امروزه در ایران اخذ سوگندنامه از پزشکان در قالب مراسم جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان پزشکی اجرا می‌شود و به مباحث فقهی آن توجهی نمی‌گردد. این پژوهش با هدف آسیب‌شناسی ابعاد فقهی سوگندنامه پزشکان در ایران انجام شده است.

روش کار: پژوهش حاضر با رویکرد کیفی اکتشافی در سال ۲۰۲۱ در دانشگاه علوم پزشکی تبریز انجام شده است. برای این تحقیق چهار نشست علمی با حضور دوازده نفر از متخصصان حوزه اخلاق پزشکی، فلسفه، حقوق و دین‌شناسی تشکیل گردید و جمع‌آوری داده از طریق بحث گروهی متمرکز (Focus Group) انجام یافته است. در مرحله تحلیل داده از روش تحلیل تماتیک شش‌مرحله‌ای براون و کالارک (۲۰۰۶) استفاده شده است.

یافته ها: یافته‌ها نشان داد سوگندنامه مزبور، صرفا اخلاقی بوده و چه بسا اعطای صبغه فقهی و شرعی از قبیل وجوب کفاره در نقض سوگند و ...، آثار منفی در پی داشته باشد. از دیگر نتایج اینکه سوگندنامه مزبور به لحاظ حقوقی هیچ حقی برای بیمار نسبت به پزشک ایجاد نمی‌کند.

نتیجه گیری: این مقاله حاصل طرحی تحقیقاتی است که با حمایت مالی مرکز توسعه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت دانشگاه علوم پزشکی تبریز با ملاحظه تمام استانداردهای اخلاقی و پژوهشی انجام یافته است. تغییر در مفاد و نحوه اجرای مراسم سوگندنامه و اخذ آن در سه مرحله ورود به تحصیل، حین تحصیل و فراغت از تحصیل، از پیشنهادهای مهم پژوهش حاضر است.

واژگان کلیدی: سوگندنامه پزشکان، فقه، جشن روپوش سفید، مسئولیت پزشکی

مقدمه

در میان مشاغل مختلف، پزشکی از جهتی منحصر به فرد است، چرا که به طور مستقیم با جان انسان‌ها سر و کار دارد و به همین دلیل اخلاق جزیی جدایی‌ناپذیر از علم پزشکی تلقی می‌شود. این موضوع در تمامی کشورها و فرهنگ‌های حاکم بر آنها با تفاوت‌هایی در شدت و ضعف آن قابل مشاهده است. یکی از عواملی که طبابت را در فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف به هم شبیه نموده است، بحث بسیار مهم و قابل تأمل اخلاق پزشکی است. رعایت موازین اخلاقی و پایبندی به قوانین در سلامت بشر امری بسیار مهم و اساسی می‌باشد. ایمان و اعتقاد قلبی طبیبان و حکیمان پیشین نسبت به خالق هستی عامل بازدارنده مهمی از گناه و معصیت بوده است و بزرگان فن با توجه به اهمیت بسزای پایبندی به این فن و اصول اخلاقی آن همواره تلاش کرده‌اند تا آن را به عنوان یک دستور پایدار به کار گیرند (۱). این امر در تمامی مراحل آموزش پزشکی کاملاً نهادینه شده و به عنوان یک واحد درسی مستقل در بسیاری از دانشگاه‌های جهان به دانشجویان پزشکی آموزش داده می‌شود.

در این میان، سوگندنامه‌های پزشکی مانند سوگندنامه بقراط نقش بسزایی در ایجاد این حس مسئولیت ایفا می‌کند که دانشجویان پزشکی حین فراغت از تحصیل با سوگند به مقدسات‌شان، مفاد آن را بر زبان جاری ساخته و بر سیطره آن بر دل و تمامی شئونات حرفه ایشان گواهی می‌دهند (۲). سوگندهای پزشکی بیانگر اصول اخلاقی هستند که پزشکان و عموم افراد جامعه رعایت آن را برای عملکرد بالینی ضروری می‌دانند. در بعضی از کشورها، دریافت مدرک پزشکی حتی به این تعهد عمومی بستگی دارد؛ به این معنا که برای پزشک شدن، لازم است فارغ التحصیلان پزشکی به رعایت مجموعه‌ای از ارزشهای اصلی حرفه‌ای تعهد داده، و در طول مدت خدمت به آنها وفادار بمانند. امروزه آگاهی از این ارزش‌ها اهمیت بیشتری پیدا کرده است؛ زیرا مدرسان پزشکی فرایند شکل‌گیری هویت حرف پزشکی را مهم دانسته و آن را به عنوان یک هدف غالب در آموزش پزشکی لحاظ می‌کنند (۳ , ۴). رشد حرفه‌ای‌گرایی در سال‌های اخیر به همراه بحران‌های مالی در سراسر جهان باعث توجه بیشتر صاحبان حِرَف مختلف به مقوله سوگندنامه‌های حرفه‌ای در کسب و کار شده است (۱).

رعایت اصول اخلاق پزشکی و شیوه برخورد مناسب و منطقی پزشک با بیمار و همراه او در فرهنگ و جامعه ایران چه در طب قدیم و چه طب جدید پیشینه غنی دارد و کتاب‌های بسیاری نه فقط در نوشته‌های طبیبان قدیم مانند زکریای رازی و ابن سینا به چشم می‌خورد، بلکه در پزشکی نوین نیز الگوهای بزرگ اخلاقی وجود دارد، اما با همه اینها متاسفانه کارشناسان حوزه اخلاق پزشکی معتقدند اخلاق، جایگاه خود را در حرفه پزشکی دنیای امروز گم کرده است (۵).

اولین متن اخلاقی پزشکی مستند در ایران، پندنامه اهوازی است که به پزشک و استادی به نام علی ابن عباس اهوازی متعلق می‌باشد. وی پندنامه مزبور را در بخش اخلاق پزشکی کتاب کامل الصناعه الطبیه (مرجع جامع رشته پزشکی)، معروف به طب ملکی (کتاب شاهانه پزشکی) ثبت نموده است و در آن برخی از اصول اسلامی را با متن بقراط درآمیخته و هفت ویژگی ذیل را مطرح نموده است: سپاسگزاری و ستایش خدا، احترام به استاد، احتراز از هدف مال اندوز، رازداری، اخلاق خوش، دوری از شراب و اشاره به اینکه علم پزشکی سراسر خداشناسی است (۱).

سوگندنامه پزشکی کنونی کشور ایران بر موضوعاتی از قبیل رعایت حقوق بیمار، مسئولیت‌پذیری، ارجحیت دادن سلامت بیماران بر منافع مادی، رعایت محرمانگی اطلاعات، تامین و حفظ و ارتقای سلامت جامعه تاکید دارد.

امروزه سوگندنامه پزشکی در ایران فقط به بخشی از مراسم «روپوش سفید» تنزل یافته است. این کار معمولاً به عنوان بخش پایانی مراسم فارغ التحصیلی دانشجویان پزشکی انجام می‌شود. به نظر می‌رسد این مراسم بیشتر برای باشکوه شدن محفل فارغ التحصیلی برگزار می‌گردد و هدف اصلی یعنی تعهد و پایبندی به اصول اخلاقی در حرفه پزشکی مغفول مانده است. مضافا به این که از نظر قانونی و حقوقی نیز هیچ مسئولیتی را متوجه پزشک نمی‌کند؛ چون هیچ امضا و تعهدی از شخص فارغ التحصیل اخذ نمی‌شود. در نتیجه باید سوگمندانه اعتراف نمود که سوگندنامه پزشکان ایران با آسیب‌هایی مواجه است که نیازمند بررسی است و از آن جایی که بررسی تمام آسیب‌ها در یک مقاله امکان ندارد، تنها زوایه فقهی بحث در مقاله حاضر در نظر گرفته خواهد شد، از این رو می‌توان به طور خلاصه هدف مطالعه حاضر را تحلیل و آسیب‌شناسی فقهی سوگندنامه پزشکی ایران قلمداد کرد.

ملاحظات اخلاقی

پژوهشگران پس از اخذ مجوز اخلاق از کمیته دانشگاهی اخلاق در پژوهش دانشگاه علوم پزشکی تبریز با کد IR.TBZMED.REC.۱۴۰۰.۰۲۴ از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه فقه، اخلاق و حقوق پزشکی در طی جلسات متعددی مصاحبه به عمل آوردند. تیم پژوهشی در اجرای این طرح و نگارش مقاله تمام استانداردهای اخلاقی پژوهش را رعایت نموده است.

روش کار

مطالعه حاضر از نوع کیفی با رویکرد توصیفی اکتشافی بود که در سال ۲۰۲۱ در دانشگاه علوم پزشکی تبریز انجام شد. جامعه این مطالعه را دوازده تن از صاحبنظران در حوزه اخلاق پزشکی، فقه اسلامی، فلسفه، تاریخ علوم پزشکی و حقوق تشکیل داده بودند. معمولا در

مطالعات کیفی حجم نمونه از قبل مشخص نمی‌شود. در این مطالعه حجم نمونه بر اساس اشباع نظری[1] داده‌ها تعیین شد و به صورت جمع‌آوری داده‌ها تا زمان اشباع آنها یعنی تا حصول یقین به نبود موضوع و مضمون جدید، ادامه پیدا کرد. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. در این روش محققان سعی می‌کنند افرادی را برای مطالعه انتخاب کنند که بیشترین اطلاعات را در زمینه پدیده تحت مطالعه داشته باشند. لذا با نظر تیم پژوهشی افرادی که در زمینه اخلاق پزشکی، فقه اسلامی، حقوق و فلسفه تخصص و تبحر دارند، برای مطالعه دعوت شدند.

برای جمع‌آوری داده از روش بحث گروهی متمرکز استفاده شد. برای این منظور بعد از شناسایی افراد متخصص و مطابق با معیارهای ورود به مطالعه، این افراد برای جلسات بحث گروهی در مرکز توسعه پژوهش‌های بین رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت دعوت شدند. ابتدا از همه مشارکت‌کنندگان رضایت آگاهانه به صورت کتبی اخذ شد. همچنین در ابتدای جلسه از مشارکت‌کنندگان اجازه ضبط صدا کسب شد. جلسه بر اساس یک راهنمای سوالات باز توسط محققان هدایت شد. دو نفر محقق در این جلسه حضور داشتند، به طوری یکی از محققان نقش تسهیل‌گر و هدایت‌کننده جلسه را بر عهده داشت و محقق دوم نیز به یادداشت‌برداری می‌پرداخت.

به منظور افزایش قوام[2] داده‌ها و مطالعه از چند استراتژی استفاده شد. اولا از افراد با تخصص‌های مختلف برای مصاحبه دعوت شد، تا حداکثر اطلاعات ممکن جمع‌آوری شود. علاوه بر این متن مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی برای شرکت‌کنندگان ارسال شد تا موارد را تائید و در صورت نیاز اصلاح کنند[3].

مطالب یادداشت شده و ضبط شده از جلسات گروهی در فایل ورد پیاده‌سازی شد. بعد از پیاده‌سازی برای تحلیل داده از روش تحلیل تماتیک استفاده شد. هدف تحلیل تماتیک، شناسایی تمها، یعنی الگوها در داده‌های مهم یا جالب توجه پژوهشگر است و از این تمها برای پاسخ به سوالات پژوهش استفاده می‌کنند یا اینکه مطالبی در مورد یک مسئله می‌گویند. براون و کالارک (۲۰۰۶) یک راهنمای شش مرحله‌ای ارائه داده‌اند که چارچوبی بسیار مفید برای انجام این نوع تحلیل‌ها است (۶).

مرحله ۱ آشنایی با داده‌ها: اولین گام در هر تحلیل کیفی، خواندن و بازخوانی رونوشت‌هاست؛ به عنوان مثال در کار حاضر، بعد از اینکه مصاحبه‌های صوتی، انجام و به نوشتار تبدیل شد، مورد بررسی قرار گرفت و مجددا خوانده شد تا آشنایی با داده‌ها حاصل گردد. آشنایی با داده‌ها از طریق مطالعه و نگارش عبارت‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها حاصل می‌شود.

مرحله ۲ تولید کدهای اولیه (استخراج مفاهیم از عبارات معنایی): محققان در این مرحله با یک روش معنادار و سیستماتیک شروع به سازماندهی داده‌ها می‌کنند. کدگذاری، داده‌های زیاد را به تکه‌های کوچک معنا تقلیل می‌دهد.

مرحله ۳ جستجوی تمها: این مرحله کنکاش برای یافتن تمهایی (فرعی) است که یک یا دسته‌ای از مفاهیم استخراجی را در بر گیرد؛ سپس یافتن تم‌های اصلی که یک یا چند تم فرعی را پوشش دهد.

مرحله ۴ بررسی تمها: در این مرحله محقق بررسی می‌کند که آیا تم‌های فرعی ایجاد شده، مفاهیم تحت شمول خود را به خوبی پوشش می‌دهند یا خیر؟

مرحله ۵ تعریف تمها: این مرحله اصلاح نهایی تمهاست و هدف آن شناسایی ماهیت چیزی است که هر تم در مورد آن بحث میکند.

مرحله ۶ نگارش و تحلیل نهایی: این مرحله شامل تحلیل پایانی و نگارش گزارش نهایی حاصل از تحلیل تماتیک و ارائه یافته‌هاست که در پایان ارائه خواهد شد.

یافته‌ها

الف. تاریخچه اخلاق و سوگندنامه پزشکان

اخلاق پزشکی در متون زرتشتیان

در آیین زرتشتیان در وندیداد به دسته‌بندی پزشکان اشاره شده است. این نکته را هم متذکر شده‌اند که زرتشیان اعتقاد داشتند که پزشک با احترام با بیمارش صحبت کند و با صبر و حوصله حرف او را بشنود. آنها روی سقط جنین بسیار حساس بوده‌اند و برای بارداری ناخواسته قوانینی داشته‌اند و برای جسد مرده بسیار احترام قائل می‌شدند. (شرکت کننده شماره ۱۲)

اخلاق پزشکی در متون یونان باستان

در یونان باستان سعی بقراط این بوده که بشریت را با تعقل اداره کند و پزشکی را از فضای خدایان و اوراد جدا سازد و به دنیا و علم پزشکی با چشم خرد نگاه کند. بقراط پزشکی بالینی و کلینیکی را پایه‌گذاری میکند که تا به امروز ادامه داشته است. در آن فضا بقراط به خاطر متهم نشدن به بی‌خدایی در سوگندنامه به چندین خدا نظیر آپولون، آسکلپیوس و هیژیا سوگند یاد می‌کند ولی در ادامه آن چیزهایی را که عقل و خردش پذیرفته بود وارد می‌کند. این میراث به جالینوس می‌رسد و در طول تاریخ سوگندنامه بقراط به اصلی‌ترین متن سوگندنامه پزشکان تبدیل می‌شود. (شرکت کننده شماره ۱۲)

اخلاق پزشکی در دوره اسلامی

در کتاب فردوس الحکمه برای پزشک خوب ویژگی‌هایی برشمرده تا پزشک با رعایت آن از دسته پزشکان نادان جدا شده و به دسته

۱. Theoretical saturation
۲. Rigor
۳. Member check

پزشکان دانا بپیوندد. در آن کتاب بخش مفصلی به مذمت پزشکان نادان اختصاص داده شده و ویژگی‌ها پزشک خوب ذکر گردیده است. این سنخ مطالب به تعدد در کتابهای دیگر نیز ذکر شده است؛ مثلا در هدایه المتعلمین، در آثار رازی، در ادب الطبیب رهاوی و در قانون به این نوع مطالب برمی‌خوریم. در چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی یک قسمت به این مربوط است که برای رسیدن به مقام طبابت چه کارها و شرایطی لازم است، مثلا چنین آمده که او باید شانزده رساله جالینوس را بخواند، و موارد دیگری را برمی‌شمرد و بعد تصریح می‌کند که پزشک باید اخلاقیاتی را رعایت کند و دقیقا به اخلاقیاتی که بقراط در قسمت دوم سوگندنامه آورده است، اشاره میکند. مطالب بقراط سخنان از دل برآمده اوست. در مقدمه کلیله و دمنه نیز مفاهیم اخلاق پزشکی ذکر شده است. برزویه طبیب در مقدمه کلیله و دمنه میگوید که پزشک باید مبادرت به درمان بیمار را ذخیره آخرتش بداند و جالب این که این سخن را وقتی مطرح میکند که هنوز اسلام وارد ایران نشده است. (شرکت کننده شماره ۱۲)

تاریخچه سوگندنامه پزشکان

امروزه تعداد قابل توجه و فراوانی سوگندنامه و پندنامه پزشکی وجود دارد که مشهورترین‌شان سوگندنامه بقراط است. پندنامه علی بن عباس اهوازی مجوسی یکی دیگر از آنهاست. پندنامه علی بن عباس اهوازی به مراتب از سوگندنامه بقراط مفصل‌تر و کامل‌تر است. متن پندنامه علی بن عباس اهوازی در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه حقوق بیمار در پندنامه علی بن عباس مجوسی اهوازی با اخلاق پزشکی نوین» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از دیگر سوگندنامه‌های پزشکان قسم‌نامه عسّاف و قسم‌نامه ابن میمون است. در کتاب ادب الطبیب رهاوی نیز اخلاقیاتی برای پزشکان مطرح شده است. در ذخیره خوارزمشاهی فصل مستقلی درباره اخلاق پزشکی وجود دارد. رازی کتابی به نام طب الروحانی دارد که کل کتاب با مفاهیم مربوط به اخلاق پزشکی عجین است. در قانون بوعلی نیز فصل مفصلی درباره اخلاق پزشکی ارائه شده است. وصیت‌نامه لویی پاستور نیز در این زمینه بسیار خوب است. من بارها در مراسم روپوش سفید فقرات نهایی آن را خوانده و تاثیرش را در بین حضار تجربه کرده‌ام. (شرکت کننده شماره ۱۰)

وحدت دیروزی و تعدد امروزی سوگندنامه‌ها

سوگندنامه پزشکان از دیرباز بوده و قبلا طبیب و حکیم هم‌معنا بودند، لذا یک سوگندنامه مطرح بوده است. الان علوم پزشکی مطرح شده و شاخه‌های داروسازی، پرستاری و دندانپزشکی ایجاد شده و هر یک باید سوگندنامه متناسب با خود را قرائت کنند. اساس همه سوگندنامه‌ها الزام اخلاقی پزشک به مسئولیت‌های پزشکی است. (شرکت کننده شماره ۳)

سوگند به خدایان یا خدای یگانه

در سوگندنامه بقراط به خدایان قسم می‌خورد و در جوامع مذهبی مخصوصا در ادیان توحیدی به خدای یگانه قسم یاد می‌شود. حتی در جوامعی که به خدا اعتقادی ندارند، به مقدساتی که برایشان مطرح است، سوگند یاد می‌کنند. چیزی که در سوگندنامه اهمیت دارد این است که دانشجو با قسم یاد کردن به مقدس‌ترین چیز می‌خواهد الزامی را در خود ایجاد کند. (شرکت کننده شماره ۴)

در دوره اسلامی و در نهضت ترجمه، تقریبا تمام آثار یونانی به جز آثاری که تعابیر شرک‌آلود داشته‌اند به عربی ترجمه می‌شود. از این رو سوگند به خدایان در فرهنگ اسلامی به سوگند به خدای یکتا تبدیل می‌شود. (شرکت کننده شماره ۱۲)

ب. مباحث فقهی سوگندنامه پزشکان

انواع سه‌گانه سوگند

در معارف اسلامی سه نوع سوگند وجود دارد: تاکیدی، درخواستی و تعهدی: نوع اول: تاکید خبر است، مثلا کسی میگوید: «والله من این دارو را مصرف کردم». نوع دوم: تقاضا و درخواستی مطرح میکند و میگوید: «تو را به خدا به دادم برس». و نوع سوم سوگند همان سوگندی است که با گفتن والله این کار را خواهم کرد، آن را بر خود واجب میکند و متعهد میشود. سوگندی که آثار فقهی دارد همین نوع سوم است که در عرف فقها به «یمین العقد» معروف است. اولی و دومی اثر فقهی ندارد، تنها اثر اولی این است که اگر گزارشش صادقانه باشد، کراهت دارد و در گزارش دروغ به خاطر دروغ بودنش حرام و گناه کبیره است، ولی کفاره‌ای ندارد. سومی تعهدی را بر گردن می‌گیرد که آثار فقهی مثل وجوب کفاره در پی شکستن برای آن مطرح است. (شرکت کننده شماره ۱)

اختلاف در وجوب یا استحباب عمل به تعهد

در فقه عمل به تعهد شرعا واجب نیست و نهایتا مستحب است. عده کمی از فقها عمل به قول و وعده را واجب می‌دانند. اکثر فقها عمل به وعده را مستحب می‌شمارند. (شرکت کننده شماره ۱)

سه راه برای واجب کردن تعهد

تعهد را که فی نفسه مستحب است با سه کار میتوان برای خود واجب نمود: نذر، عهد و سوگند. کفاره شکستن نذر و عهد دو ماه روزه پشت سر هم است. اما کفاره شکستن سوگند، اطعام ده نفر و در صورت ناتوانی از آن، سه روز روزه است. (شرکت کننده شماره ۲)

شرایط سوگند فقهی

وجود لفظ الله و یا معادل آن در سوگندنامه: سوگند به لفظ جلاله الله و خدا به هر زبانی هر چند فارسی کافی است. در فقه هر سوگندی که به اسم عَلَم شخصی خداوند مثل الله یا صفاتی که دائما درباره خدا به کار می‌رود مثل مقلب القلوب، رب باشد را سوگند فقهی دانسته‌اند که آثاری دارد. (شرکت کننده شماره ۱)

شاید برخی از دانشجویان از ادیان دیگر و مذاهب مختلف بوده باشند. آیا لازم نیست که به مقدسات آنها اهمیت داده شود؟ و برای هر کس متناسب با خودش سوگندنامه تدوین گردد؟ (شرکت کننده شماره ۹)

شرطیت تلفظ به متن سوگند: از دیگر شروط سوگند تلفظ است. امضای متن سوگندنامه سوگند فقهی نیست. مگر در مواردی که شخص از تکلم عاجز است. (شرکت کننده شماره ۱)

شرطیت اذن ولی: یکی از شرایطی که در سوگند فقهی معتبر است، اذن ولی است. از این رو پدر می‌تواند مانع از سوگند فرزند شود. و زوج نیز نسبت به زوجه چنین حقی دارد. با منع پدر و زوجه سوگند فرزند و زوجه از بین می رود. اما آیا از شرایط صحت سوگند اذن اوست، یا تنها منعش مانع است؟ فقها غالبا منع را مانع می‌دانند ولی اذن را شرط نمی‌دانند، اما امام خمینی هم منع را مانع و هم اذن را شرط صحت سوگند می‌داند. عبارت تحریر چنین است: «لا تنعقد یمین الولد مع منع الوالد و لا یمین الزوجه مع منع الزوج. و هل یشترط اذنهما و رضاهما فی انعقاد یمینهما او لا؟ قولان اولهما لا یخلو من رجحان؛ قسم خوردن فرزند به همراه منع پدر قسم شرعی حساب نمی‌شود، همین طور است قسم خوردن زوجه به همراه منع زوج. و آیا در صحت قسم فرزند و زوجه اذن و رضایت پدر و زوج شرط است، یا شرط نیست؟ دو قول وجود دارد که قول اول یعنی شرطیت اذن و رضایت برای صحت قسم خالی از وجه نیست». (شرکت کننده شماره ۱)

کفایت توجه اجمالی: توجه اجمالی به متن سوگندنامه در صحت آن کافی است و توجه تفصیلی لازم نیست. لازم نیست مثلا کسی به شخصی که سوگند یاد میکند، یادآوری کند که تو داری سوگند یاد میکنی! حتی اگر یادآوری نکند هم، صرف قرائت سوگندنامه به همراه توجه اجمالی کافی است. (شرکت کننده شماره ۱)

کفاره شکستن سوگند

کفاره شکستن سوگند صراحتا در قرآن ذکر شده است: خداوند متعال در آیه ۸۹ سوره مائده کفاره شکستن سوگند را چنین مطرح کرده است: «فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ؛ و کفاره آن قسم، طعام دادن ده فقیر است از آن طعام متوسط که بر اهل خود غالباً تهیه می‌کنید، یا جامه بر آنها پوشانده و یا یک بنده آزاد کنید، و هر کس که توانایی آن ندارد سه روز روزه بدارد. این است کفاره شکستنِ سوگندهایی که یاد می‌کنید». (شرکت کننده شماره ۲)

عدم معذریت جهل در وجوب کفاره

جهل به قانون عذر نیست. اگر کسی نمیدانسته که شکستن سوگند کفاره دارد، باز با شکستن سوگند کفاره بر او واجب می‌شود. (شرکت کننده شماره ۶)

اختلاف در تعدد وجوب کفاره به تعدد شکستن سوگند

درباره این که آیا با تعدد شکستن سوگند، وجوب کفاره هم متعدد می‌شود، اختلاف نظر وجود دارد. با فرض صحت سوگند حالا کسی سوگند یاد کرده که برای بهبودی بیمار تلاش کند. آیا با یک بار شکستن سوگند و دادن کفاره پرونده این سوگند بسته می‌شود و یا برای هر بار ترک فعل باید کفاره را دوباره ادا کند. این جا فقها اختلاف نظر دارند. حضرت امام میفرماید سوگند با یک بار شکستن تمام میشود و دیگر به موارد بعدی ناظر نیست و یک بار کفاره بدهد کافی است. اما دیگران نظیر آیت الله سیستانی قصد را معتبر می‌دانند و میگویند اگر قصد قسم‌یادکننده این بوده که حتی با شکستن سوگند باز وجوب عمل باقی بماند، باید برای هر نقضی، کفاره مجزا ادا کند. (شرکت کننده شماره ۱)

ج. الزامات بهبود وضعیت سوگندنامه پزشکان

ضرورت طرح مباحث دینی (فقهی و اخلاقی) برای دانشجویان

مشارکت‌کنندگان اظهار کردند که آموزش مباحث دینی (فقهی و اخلاقی) و افزایش آگاهی دانشجویان پزشکی در زمینه کاربردی بودن مسائل دینی ضروری است. دانشجویان به مباحث دینی اهمیت چندانی نمی‌دهند و احساس می‌کنند که این مباحث برای حرفه آنها کاربردی نیست. در آموزه‌های دینی مباحث فراوانی مربوط به پزشکی وجود دارد که در هیچ درسی برای دانشجو مطرح نمی‌شود. یکی از معضلات نظام آموزش ما این است که نه در دوره دبیرستان و نه در دوره دانشگاهی برای او مسائل دینی گفته نمی‌شود. جامعه ما متاسفانه با احکام شرعی بیگانه است. درسی به نام اخلاق پزشکی وجود دارد، که متاسفانه دانشجویان به مطالب آن اهمیت نمی‌دهند. (شرکت کننده شماره ۲)

ضرورت تاکید بر اخلاقی بودن سوگندنامه پزشکان

تمام شرکت‌کنندگان در این مصاحبه بر این مطلب تاکید داشتند که سوگندنامه پزشکان باید حالتی اخلاقی به خود بگیرد و نباید آن را سوگندی فقهی قلمداد نمود. دلایلی این مدعا را تایید میکند:

هدف از سوگندنامه: هدف از سوگندنامه اخذ کفاره از پزشک نیست. ما به دنبال کفاره گرفتن از پزشک نیستیم و نمی‌خواهیم او را به

خاطر سوگندی که خورده دادگاهی کنیم. مواخذه طبیب به خاطر تعهد محضری اوست اگر باشد، نه به خاطر سوگندنامه. (شرکت کننده شماره ۱۱)

اجمال مفاد سوگندنامه: در سوگندنامه آمده که برای بهبودی بیمار تلاش خواهم کرد. تلاش امری دارای مراتب است. در مواردی که قانون مجمل باشد، اخذ به قدر متیقن میشود و پایین‌ترین مرتبه کافی است و مراتب بالا وجوب نخواهد داشت. پس اگر مقداری تلاش هم کرده باشد، وظیفه‌اش را عمل کرده است. (شرکت کننده شماره ۱)

عدم ثبوت حق به نفع بیمار با سوگند پزشک: آیا با قسم خوردن حقی بر بیمار ایجاد میشود که پزشک مورد پیگرد حقوقی قرار گیرد؟ پاسخ منفی است؛ چون سوگند هیچ حقی بر بیمار ایجاد نمیکند. اما حاکم شرع میتواند از باب امر به معروف و نهی از منکر ورود پیدا کند و پزشک را به درمان اجبار نماید. (شرکت کننده شماره ۳)

اگر سوگندنامه هیچ مسئولیت حقوقی ایجاد نمیکند، چه میشود کرد؟ آیا نمیتوان مفادی را در سوگندنامه گنجاند که مسئولیت حقوقی ایجاد کند. تغییر دادن مفاد سوگندنامه لازم است. امروز چقدر سلامت مردم و حتی حیثیت جامعه پزشکی از بی‌مسئولیتی عده‌ای خدشه‌دار میشود؟ (شرکت کننده شماره ۵)

این که معضلاتی در جامعه پزشکی وجود دارد نمی‌توان همه را با سوگندنامه حل کرد. بخش اعظمی از معضلات را می‌توان از بحث اجاره فقهی دنبال نمود. در باب اجاره مسائل ضمان و ادای خسارت مطرح است. هر چند سوگندنامه بار فقهی نداشته باشد، اما تقصیر و قصور پزشک را میتوان از طریق قوانین استخدامی تامین کرد. (شرکت کننده شماره ۱)

اگر این سوگندنامه بار تعهدی سنگینی داشت که میتوانست با یک بار خواندن تعهد لازم را ایجاد کند، چرا در دوره نازی‌های پزشکان آن کارها را انجام دادند؟ با این که بعدها که در دادگاه‌های نورنبرگ وقتی پرسیده بودند که چرا این جنایات را مرتکب شدید؟ آیا شما سوگند یاد نکرده‌اید؟ گفته بودند ما همه سوگندنامه پزشکان را یاد کرده بودیم و به مفاد آن معتقد هستیم! پس سوگندنامه آن تعهد را ایجاد نمی‌کند. باید چه کار کنیم که این تعهد ایجاد بشود؟ درباره قضیه نازی‌های مقاله مستقلی در ۱۹۹۹ چاپ شده است. در مقاله مزبور چنین آمده است که از این‌ها می‌پرسند که شما به اسم پزشکی دست به جنایت زدید، آیا سوگندنامه بقراط را خوانده بودید، گفته بودند بله، و باز هم معتقدید، بله، پس چرا این جوری کردید؟ گفته بودند که ما فکر میکردیم که داریم به بشریت خدمت می‌کنیم. اینها می‌خواستند اصلاح نژاد کنند و به نژاد برتر دست یابند، دنبال ابرمرد بودند، ابرمرد نیچه و ... (شرکت کننده شماره ۱۲)

به نظر میرسد که در این جا مغالطه‌ای رخ داده است؛ چون آن پزشکان شاید در تطبیق مصداق اشتباه کرده باشند. البته درباره این که آیا سوگندنامه تعهد ایجاد میکند یا نه و این که پزشکان نازی با این که سوگند یاد کرده بودند ولی به جنایت دست زدند، میتوان گفت که آنها در تطبیق و تشخیص مصداق دچار اشتباه شده‌اند و هر چند احتمالا نیت‌شان خوب بوده و به اصطلاح حسن فاعلی داشته‌اند، اما یقینا کارشان از حسن فعلی برخوردار نبوده است. ضمن این که مطلبی از شیخ بهایی وجود دارد که میتواند پاسخ دیگری به این شبهه تلقی گردد. شیخ بهایی در این که چگونه یک فیلسوفی مثل فخر رازی سنی بوده است، میگوید فیلسوف سنی نشده بلکه یک سنی فیلسوف شده است. با الهام از آن سخن میتوان درباره پزشکان نازی گفت: نه این که پزشکی جنایتکار شود، بلکه جنایتکار هم میتواند پزشک شود و دقت در این نکته ما را به بازنگری در شرایط گزینش برای پذیرش دانشجوی پزشکی وا میدارد. (شرکت کننده شماره ۸)

تاثیر معنوی مستحبات در مقابل واجبات: شرکت کننده شماره ۱ تصریح کرد که تاثیر معنوی مستحبات بیش از واجبات است. فقها هم به این مطلب اشاره کرده‌اند که الزامِ وجوبی در مقایسه با الزامِ استحبابی اثر معنوی چندانی ندارد. شرکت کننده شماره ۸ افزود: تا حدی وجدانا هم قابل تجربه است؛ وقتی کسی عمل مستحبی را بدون این که هیچ تکلیف و اجباری در بین باشد انجام می‌دهد، آن را با میل و رغبت بیشتری به جا می‌آورد.

محذورات نگاه فقهی به سوگندنامه: شاید کسی بگوید سوگندم را می‌شکنم و کفاره‌اش را میدهم. نگاه الزامی این محذورات را دارد. در روایت آمده که «ما ترک من الامر اعظم»؛ یعنی ضرر نقض سوگند بسیار فراتر از این است که با ادای کفاره از بین برود. باید از آیات و روایات گشت و متنی پیدا کرد که حس مسئولیت دانشجو را اخلاقا و نه الزاما برانگیزد. مثلا قرآن میگوید «بما کسبت قلوبکم»؛ یعنی پایبندی و یا شکستن سوگند آثار روانی برای شما در پی دارد. (شرکت کننده شماره ۱)

البته درباره متن سوگندنامه که جنبه فقهی و شرعی در آن لحاظ بشود یا نه، باید توجه داشت که متاسفانه با روحیه دین‌گریزی که اتفاق افتاده است، شاید توجه به آن جنبه‌ها تاثیر معکوس بگذارد. امروز بسیاری از افراد هستند که هر چند از مسائل دینی و شرعی فاصله دارند، اما با این حال اخلاقی عمل میکنند، نه به خاطر این که اخلاق را از دین اخذ کرده باشند، بلکه اخلاق به عنوان میراث نیاکانشان به آنها رسیده است. یعنی اگر به ارزشی در زندگی پایبندند، به نام دین نیست، بلکه به حکم عواطف انسانی و شرایط خانوادگی آن را دارا هستند. متن سوگندنامه باید برای چنین افرادی نیز آن حس و حال مسئولیت را ایجاد کند. (شرکت کننده شماره ۴)

این که در سوگندنامه مضامین دینی مثل قرآن و قسم به خدا لحاظ شده خوب است و در راستای ایجاد مسئولیت میتواند سهیم باشد. اما در نظر گرفتن مباحث فقهی مثل وجوب کفاره برای نقض سوگند در

شرایط موجود آن را به ابتذال می‌کشاند، مخصوصا برای کسانی که اعتقادات ضعیفی دارند. (شرکت کننده شماره ۶)

در تحقیقی قرار بود بیمار را قبل از بردن به اتاق عمل برایش سوره یس بخوانند و بازخورد و نتایج تحقیق را با تکرار موارد ثبت نمایند. این تحقیق در کمیته اخلاق رد شد؛ چون آثار و تبعات منفی این تحقیق بیش از منافع آن است. این تحقیق آیا قابل انتشار است؟ اصلا خود فرد شاید با خواندن سوره یس دچار نگرانی بشود که نمرده برایم یس میخواندند! این گونه مسائل میتواند اصل قضیه را تحت الشعاع قرار دهد. (شرکت کننده شماره ۴)

ضرورت بازنگری در متن و اجرای سوگندنامه پزشکان

حال چه فقهی و چه اخلاقی باید مطالب مربوط به سوگندنامه پزشکان در یک درس تدریس شود و مفاد آن برای دانشجویان طرح شده، مورد مداقه قرار گیرد. نکته دیگر این که اگر بنا شد که فقهی نباشد و جنبه اخلاقی آن مد نظر قرار گرفت، آیه «اوفوا بعهدی اوف بعهدکم؛ به پیمانتان وفا کنید تا به پیمانم وفا کنم» در سوگندنامه درج شود. این آیه میتواند در بیدار کردن وجدان اخلاقی تاثیرگذار باشد. به هر حال دانشجو بداند که اگر او به وظایف طبابت و مسئولیتش در برابر بیمار در حد خوبی عامل بود، خداوند متعال هم او را از برکات و نعمات مخصوص و از امدادهای خود بهرمند خواهد کرد و اگر از این مسئله غافل شود، خودش متضرر خواهد شد و از نعمات خاصه خدا بی‌بهره خواهد ماند. خداوند در این آیه می فرماید به میثاقی که با من دارید پایبند باشید، من نیز با میثاقی که با شما دارم پایبند خواهم بود. سوگندنامه پزشکان میثاقی بین طبیب و بیمار نیست، بلکه بالاتر میثاقی بین طبیب و خداست. در مسائل خانواده می‌گوییم ازدواج قبل از این که میثاقی بین زوجین باشد، میثاقی بین زوجین و خداست. لذا در سوگندنامه علاوه بر مسائل وجدانی و اخلاقی یک مسئله هم بهرمندی از امدادهای الهی است که باید مورد توجه قرار گیرد و به نوعی در متن سوگندنامه درج شود. (شرکت کننده شماره ۷)

به نظر می‌رسد که باید سه آیتم در مفاد سوگندنامه ملاحظه شود: ۱. مسئولیت اخلاقی، ۲. مسئولیت حقوقی و ۳. مسئولیت فقهی. البته خود مسئولیت حقوقی دو قسم است یکی مربوط به مسئولیت حرفهای است که سازمانها و در کشور ما نظام پزشکی متولی آن است و دیگری مسئولیت قانونی که به قوه قضائیه و دادگاهها مربوط میشود. (شرکت کننده شماره ۳)

بحث از سوگندنامه پزشکان مباحثی است که مغفول مانده و باید توجه جدی به آن مبذول شود. هم محتوای سوگندنامه باید مورد بازنگری قرار گیرد و هم شیوه اجرای مراسم سوگندنامه به نظرم باید تغییر کند. شکل موجود اجرای برنامه سوگندنامه حالت نمایشی دارد. البته باید توجه داشت که حالت رسمی هم شاید نتواند آن حس و حال عاطفی را برای ایجاد حس مسئولیت ایفا کند. متن موجود برگرفته از سوگندنامه بقراط و بومی شده آن است. حتی اگر خود متن اصلی سوگندنامه بقراط را بخوانیم می‌بینیم که بسیار از دل برآمده است. او به خدایانی که برایش مقدس بوده‌اند سوگند یاد می‌کند و گاهی با خود نجوا می‌کند. این متن بسیار عواطف را بر می‌انگیزد و اخلاقیات درونی را تحریک میکند. در فقره‌ای می‌گوید که اسرار مردم را به صندوقچه دلم خواهم سپرد! اصلا معلوم می‌شود که او نه تنها در پزشکی و صنف خود انسان بااخلاقی بوده که در زندگی عادی هم متخلق بوده است. اخلاق امری تحمیلی نیست که انسان فقط در شغل و حرفه‌اش آن را به صورت نمایشی اجرا کند، ولی در زندگی عادی از آن بی‌بهره باشد. اگر کسی در زندگی عادی با اخلاق نباشد، در حرفه‌اش هم نمی‌تواند اخلاقی عمل کند. سوگندنامه باید این حس و حال را ایجاد کند. البته جلسه رسمی، خشک و بی‌روح میشود، باید این حس انگیزه به نوعی از درون دانشجو بجوشد. من درباره این که میگویند اخلاق در تعامل با دیگران است، موافق نیستم. تعامل انسان با طبیعت و با خود نیز باید اخلاقی باشد. حصر اخلاق به محدوده تعامل انسان با دیگران یک حصر نارواییست. (شرکت کننده شماره ۴)

من از دوران تحصیل که در برهه‌ای در خارج از کشور بودم خاطره‌ای دارم. برای مطالعه به کتابخانه‌ای رفته بودم که از یادگاران قرون وسطی و بسیار ارزشمند بود و حتی بسیاری از کتابهای فقهی مذاهب اسلامی که در تبریز پیدا نکرده بودم، آنجا بود. آنجا که میخواستم وارد کتابخانه شوم اولا لباس مخصوص و شنلی که بسیار به عبا و لباس روحانیت ما شبیه بود، بر تنم کردند و بعد از زبانم پرسیدند. گفتم که من ترک تبریزی هستم. بعد رفتند و سوگندنامه‌ای به زبان ترکی برایم آوردند که من آن را قرائت کنم. گفتم هر چند من ترکم اما زبان رسمی ما فارسی است. رفتند یک سوگندنامه فارسی آوردند با این مضمون که من در حفظ و نگهداری کتابی که میخوانم کوتاهی نخواهم کرد. این برایم خیلی جالب بود که در اروپا اولا کتابهای فقهی اسلامی ما وجود داشت و ثانیا آنها به من آن قدر ارزش قائل شدند که سوگندنامه‌ای با زبان و قومیت خودم برایم آوردند تا حس و حال مسئولیت مرا در برابر آن آثار علمی برانگیزند. به نظر میرسد که اگر میخواهیم این سوگندنامه تاثیرگذار باشد و از حالت فرمالیته و نمایشی خارج شود، باید متناسب هر کس و با توجه به اقتضائات او تدوین شود. (شرکت کننده شماره ۴)

درباره نحوه اجرای مراسم سوگندنامه نیز نکته‌ای دارم. امروزه مرسوم این است که در جشن فارغ‌التحصیلی سوگندنامه مزبور توسط مجری قرائت و از سوی فارغ التحصیلان تکرار می‌شود. در آن مراسم مهمترین مسئله پزشکی که همین مسئولیت است به ابتذال کشیده می‌شود. از این رو من زمان مناسب برای اجرای سوگندنامه را اول دانشجویی می‌دانم، نه آخرش. در برخی از تحقیقات که صورت

گرفته معلوم شده، تعهدات و اخلاقیات دانشجو با بالا رفتن سطح علم و آگاهیش، تنزل پیدا میکند. مراسم جشن فارغ التحصیلی علی رغم آن شور و حالی که دارد، اصلا برای سوگندنامه مناسب نیست. در سوگندنامه بقراط همین مطلب وجود دارد او میگوید من دانش پزشکی را به کسی خواهم آموخت که این تعهد و سوگند را پذیرفته باشد. یعنی سوگندنامه برای شروع آموزش لازم است، نه این که بعد از اتمام آموزش و هنگام ورود به عرصه طبابت تعهد از او اخذ کنیم. (شرکت کننده شماره ۴)

به نظرم اگر اخذ سوگند در آغاز ورود به دانشگاه به صورت خصوصی و انفرادی کنار یک استادی که برای دانشجو مقبولیت دارد، اتفاق بیافتد موثر خواهد بود. استاد سوگندنامه را جمله به جمله چند بار از آغاز تا فراغت از تحصیل البته بدون لوث شدن مطلب برای دانشجو توضیح بدهد تا مفاد آن چند بار تکرار و یادآوری شود. مثلا در سه دوره زمانی با فواصل زیاد این سوگندنامه قرائت شود: اولی در آغاز ورود به دانشگاه و در وهله بعدی هنگام شروع فعالیت‌های کارآموزی و آخری هم هنگام فارغ التحصیلی و اخذ مجوز طبابت. تذکر و یادآوری بدون این که به ابتذال بکشد، خیلی موثر است. من با نحوه اجرای سوگندنامه به صورت یک بار و برای همیشه موافق نیستم. (شرکت کننده شماره ۷)

برای این که سوگندنامه از حالت فرمالیته خارج شود و حس مسئولیت‌پذیری را ایجاد کند، چند پیشنهاد دارم:

مسائل اخلاقی از سوی پزشکانی که متخلق به اخلاق هستند و مشهور به آنند در جلسه روپوش سفید طرح شود.

در تمام کارگاه‌های بازآموزی، ضمن خدمت، موضوعی از اخلاق پزشکی مطرح شود و توجه به مسئولیت پزشکی به مراسم روپوش سفید منحصر نگردد. انتخاب و گزینش دانشجو با معیارهای امروزی که هر کس خوب تست زده، به پزشکی وارد شود، درست نیست. باید کسانی به این عرصه وارد شوند که شایستگی‌های اخلاقی نیز داشته باشند. ویلیام آسلر یکی از موسسان پزشکی نوین میگوید: پزشکی شغلی است مبتنی بر هنر و ایثار. کسی که به چشم تجارت به پزشکی نگاه کند، نمی‌تواند پزشک موفقی شود. (شرکت کننده شماره ۱۰)

پزشکی به لحاظ ماهوی با دیگر حرفه‌ها متفاوت است. اگر کسی روحیه ایثار و خودگذشتگی و خدمت به دیگران نداشته باشد، نمی‌تواند پزشک موفقی شود. ماهیت پزشکی خدمت به دیگران است آن هم با داشتن روحیه‌ای بسیار وسیع. بیماری که مبتلاست، اطرافیانش هم به خاطر بیماری او گرفتار هستند به لحاظ عصبی بسیار شکننده‌اند. این پزشک است که باید تحمل بالایی داشته باشد و اخم و تَخم آنها را صبورانه تحمل کند. پزشکی تمام‌گرا به این نکته تاکید می‌کند که پزشک فقط عضوی که در آن بیماری هست را در نظر نگیرد، بلکه تمام بدن بیمار و جوانب دیگر، اطرافیان و... را در نظر بگیرد. اگر مراسم سوگندنامه به درستی ایجاد شود در این زمینه میتواند نقش مهمی ایفا کند. امروزه مسئولیت‌پذیری جامعه پزشکی به خاطر نبود نظارت کافی و نارسایی‌های که در نظارتهای سازمانی وجود دارد، سخت مورد انتقاد است و این ساز و کار نمی‌تواند مشکل را حل کند؛ چون مسئولیت‌پذیری باید از درون بجوشد و تغییر در مفاد و اجرای سوگندنامه می‌تواند در رفع مشکل سهیم باشد. (شرکت کننده شماره ۱۰)

در مصاحبه ورودی برای دوره پزشکی در یکی از دانشگاههای علوم پزشکی کانادا از دانشجو پرسیده بودند که آیا تا به حال در یکی از مراکز خدمت‌رسانی به نیازمندان و بیماران به صورت داوطلبانه خدمت کرده‌ای؟ به خاطر پاسخ منفیش نپذیرفته بودند! آنها در غرب به این نکته رسیده‌اند که پزشکی بدون داشتن روحیه ایثار و ازخودگذشتگی موفقیت‌آمیز نیست. (شرکت کننده شماره ۴)

برای مسئولیت‌پذیری باید روی اساتید کار کرد. اساتید الگوی دانشجو هستند. رعایت نکات ریز اخلاقی از سوی استاد به صورت غیرمستقیم در مسئولیت‌پذیری دانشجو سهم بسیار زیادی دارد و برعکس. (شرکت کننده شماره ۶)

یکی از اساتید درباره ذخیر خوارزمشاهی جرجانی مطلبی بیان کرد و من در دوره دانشجویی رفتم و کتاب را تهیه نمودم. چیزی که برایم جالب بود و همیشه در ذهنم مانده است این است که وقتی این بزرگوار یک مطلب پزشکی و یا نتایج تحقیقاتش را بیان میکند و نسخه‌اش را برای فلان بیماری به دقت شرح می‌دهد، در آخرش میگوید: و الله اعلم. این جمله برای من بسیار جالب بود که کسی نهایت تلاش خود را برای رسیدن به نتیجه‌ای انجام داده ولی آخرسر بر جهل و عجز خود در برابر خدای دانا و توانا اعتراف میکند. یعنی در آن زمان اقتضا میکرده که در متن پزشکی، فرهنگ دینی گنجانده شود. این مطلب متاسفانه امروزه به صورت کلی برچیده شده است. (شرکت کننده شماره ۴)

برگزاری ورکشاپ با موضوع سوگندنامه پزشکان

یکی از شیوه‌های تاثیرگذار برای ایجاد و ارتقای اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت پزشکی برگزاری ورکشاپ (Workshop) با موضوعات اخلاقی است که تحلیل سوگندنامه پزشکان نیز میتواند موضوع یکی از ورکشاپها باشد. مثلا یکی از موضوعاتی که در آموزش ضمن خدمت برای پزشکان ضرورت دارد، کیفیت دادن خبر بد به بیمار و اطرافیان می‌باشد. حال چرا این دوره‌ها ضروری است؟ چون نسبتا درصد بالایی از اعلام نظرهای پزشکان خبر بد است، بنابراین باید پزشک توجیه شود که خبر بد را چگونه به بیمار و یا اطرافیان برساند. حال باید ببینیم که چرا در موضوع سوگندنامه باید ورکشاپ برگزار کنیم؟ مفاهیم و ارزشهای اخلاقی فراوانی از متن سوگندنامه‌ها

قابل استخراج است. هم در مفاهیم اصلی و هم در مفاهیم ضمنی سوگندنامه‌ها این ارزشها یافت میشوند. برای این طرح نیز چندین ورکشاپ برگزار گردد و پرسشنامه‌هایی قبل و بعد از برگزاری ورکشاپ در بین شرکتکنندگان پخش شده، نتیجه و بازخورد آن تجزیه و تحلیل شود. چون شرکت کنندگان در آن کارگاهها خود پزشکان هستند، طبیعتا بازخورد خوبی از آنها اخذ می‌شود. (شرکت کننده شماره ۱۰)

بحث

سوگند اقرار و اعترافی را گویند که شخص از روی شرف و ناموس خود بر زبان می‌آورد و خدا یا بزرگی را شاهد گیرد (۷).

معادل سوگند در زبان عربی قسم و یمین تعبیر شده است (۸). به عقیده علامه طباطبایی سوگند خوردن به هر چیزی، نوعی تعظیم مورد سوگند است (۹). شخصی که قسم یاد می‌کند؛ می‌خواهد به مخاطب بفهماند که انجام آن کار یا عملِ به تعهد، برایش به اندازه نام خداوند مهم است (۱۰). قسم یا با الفاظ عربی مانند «تالله، بالله، والله» و یا فارسی، مانند «به خدا سوگند» و یا دیگر الفاظ جاری می‌شود (۱۱).

در قرآن و روایات، قسم خوردن در امور شخصی به خداوند و به غیر خداوند مانند قسم به قرآن، پیامبر (ص)، و ائمه (ع)، نهی شده است؛ اما اگر جنبه شرک نداشته و یا برای امور تربیتی، هدایت، دفع ظلم و تعظیم امور مقدس باشد، مشکلی ندارد. چنان‌چه نمونه‌های گوناگونی از سوگند در قرآن و کلام معصومین (ع) دیده می‌شود (۱۲). خداوند در قرآن ۹۳ بار به اموری از قبیل جان پیامبر، روز قیامت، جان و روح انسان، فرشتگان و همچنین موجودات باعظمتی مانند خورشید، ماه، شب و روز، شفق، صبحگاهان، مکه، انجیل، زیتون و ... سوگند یاد کرده است (۱۰).

طبق گزارش قرآن، شیطان در راستای فریفتن تمام انسان‌ها به عزت خدا سوگند یاد کرده (۱۳) و با سوگندی دروغ خود را به حضرت آدم و حوا خیرخواه معرفی کرده است (۱۴). قسم خوردن در فرهنگ‌ها، ادیان، جوامع غربی و ایران باستان نیز رایج بوده است (۱۵).

به عقیده فقها اگر شخصی برای انجام یا ترک کاری سوگند یاد کند، به این نوع سوگند، «سوگند تعهد» می‌گویند. «سوگند تعهد»، ضمانت‌آور است و اگر کسی به سوگندی که خورده است عمل نکند، قسم خود را شکسته است (۱۱). در اصطلاح فقهی به این عمل «حِنث قسم» می‌گویند (۱۶). کسی که «عمدا» با قسم خود مخالفت کند، گناه کرده و باید کفاره بپردازد. کفاره شکستن قسم، سیر کردن ۱۰ فقیر یا پوشاندن آنها، یا آزاد کردن یک بنده و اگر قادر به انجام این کارها نبود، سه روز، روزه است (۱۷).

فقها برای سوگند انواع دیگری نیز شمرده‌اند:

الف. سوگند بیهوده: سوگندی که بدون قصد، اراده و تعهد و از سر عادت بر زبان جاری شود. طبق آیه: «لَا يؤَاخِذُكمُ اللّهُ بِاللّغْوِ فِی أَيمَانِكمْ؛ خداوند شما را به خاطر سوگندهای بیهوده‌تان مواخذه نمی‌کند» این‌گونه قسم‌ها کفاره و گناهی ندارد و خداوند مردم را به خاطر آن مؤاخذه نمی‌کند (۱۸).

ب. سوگند تأیید یا اخباری: به معنای تأیید کردن خبری که در گذشته یا حال اتفاق افتاده است. در صورت دروغ بودنِ این نوع قسم، شخص مرتکب گناه شده و کفاره ندارد. به این نوع قسم در روایات «یمین الغَموس» نیز گفته می‌شود (۱۱).

ج. سوگند درخواست: قسمی که شخص آن را به هنگام درخواست چیزی استفاده می‌کند، تا طرف مقابل را برای انجام خواسته‌اش تحریک کند. مانند: تو را به خدا کتاب را به من بده. این قسم نه برای قسم‌خورنده و نه برای طرف مقابل، الزام‌آور نیست و انجام ندادن آن باعث گناه یا کفاره نمی‌شود (۱۱).

در فقه برای سوگند شرایطی بیان شده که بدین شرح است:

الف. اهلیت سوگند خورنده: از شرایط سوگند این است که شخصی که قسم می‌خورد، بالغ، عاقل، دارای اختیار و اراده باشد. قسم شخصی که دیوانه، نابالغ، عصبانی و مست است، مورد قبول نیست.

ب. سوگند به نام خدا: قسم به خداوند باید به نام «الله» یا یکی از نام‌ها، اوصاف و افعال مختص به او باشد. مانند خدا، خالق، رازق. به عقیده برخی سوگند به غیر نام خداوند از جمله قرآن، ائمه معصومین و کعبه، شامل احکام فقهی قسم مانند کفاره و روزه نمی‌شود.

ج. جاری شدن بر زبان: قسم باید بر زبان جاری شده و اشخاصی که قادر به تَکلم نیستند، با نوشتن، سوگندشان جاری می‌شود.

د. مخالفت نداشتن با شرع: قسم باید برای انجام واجب، مستحب، یا ترک مکروه و حرام و یا برای کاری که منفعت داشته باشد، جاری شده و در غیر این صورت قسم شرعی نیست. به عنوان مثال شخصی که قسم یاد کند ترک صله رحم کند؛ سوگندش باطل است.

هـ. قدرت و توانایی: سوگندخورنده باید در هنگام قسم خوردن، توانایی و قدرت بر انجام مورد قسم را داشته باشد.

و. مخالفت نکردن پدر یا شوهر: جلوگیری شوهر از قسم خوردن همسر و یا پدر از فرزند موجب باطل شدن سوگند می‌شود (۱۷).

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر سوگندنامه پزشکان ایران به لحاظ محتوا و نحوه اجرای مراسم تحت عنوان جشن روپوش سفید با تاکید بر جوانب فقهی سوگند که غالبا مغفول است، مورد مطالعه قرار گرفت. با توجه به اقتضائات موجود، اعطای جنبه فقهی به سوگندنامه تاثیر منفی داشته و بهتر است به خاطر دلایلی که تفصیلش در متن گفته شد، سوگندنامه جنبه اخلاقی به خود بگیرد. از دیگر نتایج این که به نظر میرسد، هم محتوای سوگندنامه نیازمند بازنگری و بومی‌سازی است و هم نحوه اجرای آن در قالب جشن روپوش سفید باید تغییر یابد.

ضمن اعلان این نکته که انتظار مسئولیت‌سازی از صِرف سوگندنامه، نگاهی آرمانی و دور از واقع است، پیشنهاد میشود که برای تاثیر بهتر و بیشتر این سوگندنامه، اجرای مراسم سوگند در سه مرحله ورود به تحصیل، حین تحصیل و فراغت از تحصیل، به صورت انفرادی و در محضر استادی مشهور به اخلاق و فضیلت و مقبول پیش دانشجو، انجام یابد.

تقدیر و تشکر

مقاله حاضر حاصل مصاحبه با متخصصان حوزه اخلاق پزشکی، فلسفه، حقوق و دینشناسی است. بدین وسیله پژوهشگران مراتب تشکر و قدردانی خویش را از حجت الاسلام و المسلمین علی فاضلی هیدجی استاد سطوح عالی حوزه علمیه، حجت الاسلام و المسلمین سید محسن عرفانی راد، دکتر مهران سیف فرشد، دکتر سعید خامنه، دکتر عبدالحسن کاظمی و دکتر رضا محمدی نسب؛ اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، اعلام میدارند.

سهم نویسندگان

نوبری، کاکه مم و ساجدی در طراحی ایده و تهیه پروپوزال نقش داشتند. جمع‌آوری داده‌ها توسط نعمتی و ساجدی و تجزیه و تحلیل دادهها توسط کاکه‌مم انجام شده است. تمامی پژوهشگران در تفسیر دادهها و آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تضاد منافع

هیچ گونه تضاد منافعی برای نویسندگان این مقاله وجود ندارد.

منابع

1. Maleki Avarsin S, Ghobbe Zarrin N, Kaveh Pishgadam MK, Monajjemzadeh F. A Comparitive Study on Ethical Rules of Oath of Pharmacists with Quran. Journal of Religion and Health. 2018;5(2):77-87.

2. Greiner AM, Kaldjian LC. Rethinking medical oaths using the physician charter and ethical virtues. Medical education. 2018;52(8):826-37.

3. Helmich E, Yeh H-M, Kalet A, Al-Eraky M. Becoming a doctor in different cultures: toward a cross-cultural approach to supporting professional identity formation in medicine. Academic Medicine. 2017;92(1):58-62.

4. Helmich E, de Carvalho-Filho MA. Context, culture and beyond: medical oaths in a globalising world. Medical education. 2018;52(8):784.

5. Esmaeeli A. Medical Ethics in Some Classical Persian Literary Texts Ethics in science and Technology. 2017;12(3):20-4.

6. Clarke V, Braun V. Thematic analysis. Encyclopedia of critical psychology: Springer; 2014. p. 1947-52.

7. Moin M. Farhang-e Farsi. Amirkabir, Tehran. 1996;2:1956.

8. Saeedi M. Encyclopaedia of Shia. Hekmat, Tehran. 2011;13:403.

9. Tabatabai S. Tafsir al-Mizan. Qom. 1997;19:403.

10. Makarem Shirazi N. Weighty Oaths of Quran. Ali ibn Abi Talib Publications, Qom. 2007;1:28-50.

11. Modarresi M. Transaction rules. Mahban Al-Hussein, Qom. 2011;1:455-60.

12. Sobhani J. The boundaries of monotheism and polytheism in the Qur'an. Mashar, Theran. 2001;1:215.

13. Sura S, verse 82.

14. Sura Al-A'raf, verse 21.

15. Khaldun I. The Muqaddimah of Ibn Khaldun. Dar Al-Fikr, Beirut. 1988;2:402.

16. Hashemi Shahroudi S. Culture of Persian jurisprudence. Encyclopedia of Islamic Jurisprudence institute, Qom. 2003;3:379.

17. Khomeini S. A Code of Practice Jameeh modarresin, Qom. 2012;2:808-10.

18. Sura Maedeh, verse 89.